فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت
Journal of New Research Approaches in Management Science
سال دوم. شماره یازدهم. بهار ۱۳۹۸، صص۲۴۷-۲۲۳ Vol 2. No 11. 2019, p 223-247
شماره شاپا (۲۵۸۸-۵۵۶۱) ISSN: (2588-5561)

مدیریت و حکمرانی در اسلام از منظر نهج البلاغه

کامبیز حمیدی[۱]. امیرحسین رمضان شمس [۲]
۱. استادیار، گروه مدیریت، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران
hamidi.ka@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، رفسنجان، ایران
shams.amirhossein@yahoo.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه‌های موجود از مدیریت و حکمرانی از منظر نهج‌البلاغه می‌پردازد. حکمرانی در کشورهای درحال‌توسعه و در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. چگونگی دست یافتن به حکومتی که بتواند زمینه‌ساز توسعه ای عادلانه و مردم سالار باشد با تسلط و اعمال قدرت تفاوت دارد و از نوعی تنظیم‌گری نشأت می‌گیرد. از دیدگاه ضرورت حکومت دینی جهت اجرای قوانین سیاسی، اجتماعی و قضایی اسلام بدون تشکیل حکومت دینی، ممکن نیست و، لزوم استمرار حکومت نیز برای جاودانگی احکام دینی و نیازمندی به اجرای قانون و هنجارهای دینی، ضرورت وجود آن را برای همیشه نتیجه می‌دهد.

نهج‌البلاغه پس از قرآن‌کریم گرانقدرترین میراث فرهنگی مسلمانان است که گزیده‌ای استثنایی از برترین گوهرهای آموزه‌های امام علی (ع) از خطبه‌ها، سخنان و سخنرانی‌ها، نامه‌ها، وصیت نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، سخنان کوتاه و حکمت‌ها می‌باشد. رویکرد به نهج‌البلاغه بر اساس روش‌های علمی و عاری از تحمیل نظر بر آن روز به روز رونق بیشتری می‌یابد. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه با تلاش فکری و عملی به بررسی مشکلات و مسائل حکومت پرداخته و شیوه‌های حکمرانی خوب را عملا در جامعه پیاده می‌کرد. تا آنجا که در دوران حکومت و حکمرانی ایشان عدل و عدالت برای همه به صورت یکسان برقرار می‌شد. هدف اصلی این پژوهش پاسخ به این سوال است که یک حکومت خوب چه ویژگی‌هایی از منظر نهج البلاغه دارد و توصیه‌ها و دستورات امام علی (ع) در رابطه با آن چیست. روش این پژوهش توصیفی – تحلیلی بوده است و با مراجعه به منابع متعدد و همچنین برخی از یافته‌های علمی به مدیریت و حکمرانی اسلامی از دیدگاه نهج‌البلاغه می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: نهج البلاغه، حکومت، مدیریت اسلامی، امام علی (ع).

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

مقدمه

نهج‌البلاغه پس از قرآن‌کریم گرانقدرترین میراث فرهنگی مسلمانان است که در سال ۴۰۰ هجری قمری بوسیله ابوالحسن محمدبی‌حسین بی‌موسی، مشهور به سیدرضی تالیف شده است.[۲] این مجموعه گزیده‌ای استثنایی از برترین گوهره‌ای آموزه‌های امام علی (ع) را از خطبه‌ها، سخنان و سخنرانی‌ها، نامه‌ها، وصیت‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، سخنان کوتاه و حکمت‌ها می‌باشد. رویکرد به نهج‌البلاغه بر اساس روش‌های علمی و عاری از تحمیل نظر بر آن روز به روز رونق بیشتری می‌یابد.

روابط و تعاملات بین افراد به عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای انسانی با معطوف نمودن افکار جامعه شناسان، برخی از اندیشمندان را بر آن داشت تا با طراحی مدلی نظامند برای تدوین این روابط و شکل‌دهی به آن داشته باشند. در این سال‌ها، اندیشه‌وران بر این باورند که با شناسایی و گسترش و بکارگیری مولفه‌های سرمایه‌های اجتماعی در جوامع، می‌توان بسیاری از چالش‌های درون سازمانی را با تدبیر و بدون آسیب پشت سر نهاد و خلاءهای رشد و توسعه سازمانی را با این روش پر نمود.

از بارزترین عوامل ارجحیت مولفه‌های سرمایه اجتماعی در نهج البلاغه، تفاوت در بنیان‌های درونی، ساز و کارها و روش‌های ارتقاء و افزایش سرمایه‌های اجتماعی می‌باشد. در نگاه متعارف اندیشمندان و صاحب نظران علوم اجتماعی در غرب، عمدتا نگاه ابزارگرایانه به مفاهیم و عوامل کیفی می‌باشد و بالتبع توسعه انسان محور، خالی از ارزش‌های معنوی و قدسی و همچنین خارج از ارزش‌های نظام توحیدی و الهی می‌باشد. لذا همین منظر سبب می‌شود نظریه‌ها ریشه درون افراد ندارد و در صدد خطای این نظریه ها بالا باشد. پایداری، دوام و اثرگذاری آنها نیز در جوامع انسانی که دارای فطرتی الهی هستند، قابل تامل است. از این رو تمسک به نهج البلاغه می‌تواند راهگشای حل تعارضات، بهبود و ارتقاء جامعه، سازمان‌ها و نهادها در پیمودن مسیر رشد و کمال الهی باشد که همین امر موجب تقویت و گسترش سرمایه اجتماعی در عرصه مدیریت بشری نیز خواهد بود.

اهمیت و ضرورت تحقیق

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه ی ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده موضوع حکمرانی می‌باشد. این موضوع به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دستورات صریح دین مبین اسلام در سال‌ها قبل از طرح ایده‌ی حکمرانی خوب، در قرآن روایات و سیره‌ی پیامبران و امامان مبانی حکمرانی خوب بیان شده است و بعد از گذشت قرن‌ها فلسفه غرب به تازگی آن را به عنوان دستاورد بشری و پیش‌نیاز توسعه همه جانبه ارائه نموده است. یکی از منابع جامع درباره حکمرانی، نهج البلاغه می‌باشد. بدون تردید نهج‌البلاغه کتابی حیات‌بخش و ارمغانی الهی برای جامعه بشری است. این کتاب جاوید در عین آنکه بخشی از سخنان و گفتارهای امام علی (ع) را در برمی‌گیرد، به حق حاوی معارفی است که آن را در جایگاهی والا پس از

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

قرآن‌کریم قرار داده است. ازآنجا که خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان حضرت از سیره‌ی ایشان برای اوضاع امت اسلامی و تحقق سعادت مطلوب برای آنان جدا نیست؛ لذا نهج‌البلاغه شکل اسناد سیاسی به خود گرفته که جهت‌گیری‌های حکومت اسلامی، روش‌های اداره کشور و نحوه‌ی برخورد با دشواری‌ها را تبیین می‌کند و در برگیرنده خط‌مشی‌های سیاسی است که باید در حکومت اسلامی از آنها پیروی کرد. به بیانی دیگر نهج‌البلاغه گنجینه نفیسی از دستورات و معارف ارزشمندی است که در آن به مؤلفه‌های حکمرانی خوب پرداخته شده است؛ نکته قابل تأمل آنکه این نکات ارزشمند درباره‌ی حکمرانی در چهارده قرن پیش، دورانی که اکثر حکومت‌ها مستبد و به صورت دیکتاتوری اداره می‌شدند، مطرح شده است. امام‌علی (ع) با تلاش فکری و عملی به بررسی مشکلات و مسائل حکومت پرداخته و شیوه‌های حکمرانی خوب را عملا در جامعه پیاده می‌کرد. تا آنجا که در دوران حکومت و حکمرانی ایشان عدل و عدالت برای همه به صورت یکسان برقرار می‌شد. بنابراین، پرداختن به ویژگی‌های مدیریت و حکمرانی اسلامی جهت استفاده از آن در دگرگونی اوضاع امت اسلامی و استخراج حلقه مفقوده حکمرانی خوب در جوامع‌اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا پرداختن به سلوک امام علی (ع) می‌تواند یک الگوی عملی خوب در حکمرانان جوامع‌اسلامی باشد و این در حالی است که اصول حکمرانی خوب کاملا با ارزش‌های دینی تطابق دارد.

قدرت

به لحاظ لغوی قدرت را بایستی در مفاهیم توانستن، توانایی داشتن، استطاعت (به معنای قوّه‌ای که واجد شرایط تأثیرگذاری باشد) و همچنین صفتی که تأثیر آن بر وفق اراده باشد، معنا کرد.

در تعریف لغوی دیگر، قدرت به معنی توانایی یا توانمندی است که میزان تأثیر بالقوّه یا بالفعل یک فرد یا شیء بر افراد یا اشیای دیگر را نشان می‌دهد.

به لحاظ اصطلاحی، بایستی تعریف قدرت را در فلسفه و کلام، در جامعه‌شناسی و علوم سیاسی جست وجو نمود. مفهوم قدرت، مفهوم اساسی نظریّهٔ جدید سیاسی است **[۳]**. به عقیدهٔ برخی از محقّقان سیاسی، علم سیاست کسب و حفظ قدرت سیاسی است. بسیاری از سیاست شناسان، روابط قدرت را هستهٔ سیاست می‌دانند و می‌گویند: آنچه روابط سیاسی انسان‌ها را از دیگر روابط متمایز می کند، قدرت است که ملّت‌ها و نظام‌های سیاسی برای به دست آوردن آن می‌کوشند تا در عرصهٔ بین الملل از آن، همچون ابزاری برای دفاع ملّی یا وسیله‌ای برای سلطه و تحمیل خواست خود بر دیگران بهره گیرند.

بنابراین می‌توان گفت، قدرت از شمار مفاهیم عامّی است که در همهٔ علوم، اعمّ از علوم اجتماعی، طبیعی و دیگر علوم کاربرد دارد؛ اگرچه اهمّیت آن در سایر علوم، همانند اهمّیت و محوریّتی که در علم سیاست دارد، نیست. در این راستا قدرت را می‌توان همانند آب‌وهوا فرض کرد که همه چیز به آن مربوط می‌شود و همه دربارهٔ آن صحبت می‌کنند؛ امّا فقط عدّهٔ کمی آن را می‌فهمند.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

مفهوم قدرت هم کاربرد انسانی دارد هم غیر انسانی، هم در زمینهٔ طبیعیات و اشیای فیزیکی به کار می رود و هم در محدودهٔ الهیّات. در اسلام و دیگر ادیان توحیدی، نگاهی خاص به قدرت وجود دارد. از دیدگاه علمای اسلامی و بر اساس قرآن، منشأ قدرت، خداوند تبارک و تعالی است. خداوند قدرت مطلق و قادر به انجام هر کاری می‌باشد و این کلمه، آیتی از شأن و عظمت و جلال خداوند است و در خصوص انسان در شمار مناقب نهایی منتسب به آفریدگار جهان می‌باشد. در قرآن کریم آمده است: «والله علی کلّ شیءٍ قدیر؛ خداوند بر همه چیز تواناست»[۱]. در تفکّر اسلامی در عرصهٔ سیاست، قدرت در دولت اسلامی یک امانت الهی است و قدرت همراه با عظمت، برترین آرزوی نوع بشر و بزرگترین پاداش اوست. در حکومت اسلامی، حاکم اسلامی وارث این امانت الهی بوده و بر اساس قوانین جاری، حقّ مجازات و تنبیه بزهکاران و گردن کشان را دارا است.

حکمرانی

یکی از مباحث مهم و در عین حال جدید که از دهه‌ی ۱۹۸۰ به بعد در ادبیات توسعه مطرح شده موضوع حکمرانی می‌باشد. این موضوع به خصوص در کشورهای درحال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور و به رابطه میان شهروندان و حاکمان اطلاق می‌شود. موضوع محوری حکمرانی خوب، چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه‌ساز توسعه‌ای عادلانه و مردم‌سالار باشد. به عبارتی ماهیت حکمرانی با تسلط و اعمال قدرت تفاوت دارد و از نوعی تنظیم‌گری نشأت می‌گیرد. در فرهنگ دینی اسلام بارها به پدیده‌ی حکمرانی خوب اشاره شده است. دستورات صریح دین مبین اسلام در سال‌ها قبل از طرح ایده‌ی حکمرانی خوب، در قرآن روایات و سیره‌ی پیامبران و امامان مبانی حکمرانی خوب بیان شده است و بعد از گذشت قرن‌ها فلسفه غرب به تازگی آن را به عنوان دستاورد بشری و پیش‌نیاز توسعه همه جانبه ارائه نموده است. بی‌توجهی به این منابع که همان حلقه مفقوده حکمرانی خوب در جوامع اسلامی است بیش از پیش مشهود می‌باشد. این در حالی است که اصول حکمرانی خوب کاملا با ارزش‌های دینی تطابق دارد.

یکی از منابع جامع درباره حکمرانی، نهج‌البلاغه می‌باشد. بدون تردید نهج‌البلاغه کتابی حیات بخش و ارمغانی الهی برای جامعه بشری است. این کتاب جاوید در عین آنکه بخشی از سخنان و گفتارهای امام علی (ع) را در برمی‌گیرد، به حق حاوی معارفی است که آن را در جایگاهی والا پس از قرآن کریم قرار داده است. ازآنجا که خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان حضرت از سیره‌ی ایشان در دگرگونی اوضاع امت اسلامی و تحقق سعادت مطلوب برای آنان جدا نیست؛ لذا نهج‌البلاغه شکل اسناد سیاسی به خود گرفته که جهت‌گیری‌های حکومت اسلامی، روش‌های اداره کشور و نحوه‌ی برخورد با دشواری ها را تبیین می کند و در برگیرنده خط‌مشی‌های سیاسی است که باید در حکومت اسلامی از آنها پیروی کرد. به بیانی دیگر

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

نهج‌البلاغه گنجینه نفیسی از دستورات و معارف ارزشمندی است که در آن به مؤلفه‌های حکمرانی خوب پرداخته شده است؛ نکته قابل تأمل آنکه این نکات ارزشمند درباره‌ی حکمرانی در چهارده قرن پیش، دورانی که اکثر حکومت‌ها مستبد و به صورت دیکتاتوری اداره میشدند، مطرح شده است. امام علی (ع) با تلاش فکری و عملی به بررسی مشکلات و مسائل حکومت پرداخته و شیوه‌های حکمرانی خوب را عملا در جامعه پیاده می‌کرد. تا آنجا که در دوران حکومت و حکمرانی ایشان عدل و عدالت برای همه به صورت یکسان برقرار می‌شد.

شاخص‌های حکمرانی خوب:

۱- نظریه حکمرانی خوب و پیشینه آن

افزایش شدید فقر و نابرابری و تورم در اواخر دهه ی ۱۹۸۰ که از پیامدهای الگوی حداقل دخالت دولت بود، باعث شد تا بانک جهانی به این نکته دست یابد که مسأله حکمرانی- یعنی شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حاکمان - موضوع کلیدی توسعه است. طی یک فرآیند طولانی ولی رضایت بخش، اجماع گسترده‌ای از طرف نهادهای بین‌المللی و اقتصاددانان در مورد بازتعریف وظایف حاکمیتی دولت شکل گرفت. مجموعه این تلاش‌ها به این نتیجه منجر شد که برای آنکه یک دولت مشخص بتواند وظایف اصلی خود را در زمینه اصلاح نواقص بازار و حذف موارد شکست آن، افزایش رقابت پذیری، اصلاحات نهادی، دستیابی به بازارهای آزاد و بهبود سرمایه اجتماعی به درستی انجام دهد، باید از چندین ویژگی برخوردار باشد که در قالب حکمرانی خوب تعریف می‌شود. حکمرانی خوب با رویکردی هنجاری و ارزش مدارانه به شیوه صحیح مفهوم جدیدی از دولت را در نظر می‌گیرد که به فرآیند نوین اداره امور جامعه اشاره دارد. تغییراتی در نقش دولت ایجاد می نماید و روش جدیدی برای اداره ی جامعه ارائه می کند و سرانجام اینکه حکمرانی مطلوب الگویی است در جهت اصلاح بخش عمومی، تقویت جامعه مدنی و تسریع مشارکت بخش خصوصی. حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه‌ی میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق می‌شود.

براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت‌داری. به عبارت دیگر هر اندازه حاکمیت قانون بیشتر و دستگاه قضایی کارآمدتر و عادلانه‌تر و میزان مشارکت در یک کشور بیشتر باشد، حکمرانی در آن کشور خوب‌تر است. در تعریف دیگری از یونسکو در سال ۲۰۰۲ حکمرانی خوب به معنای سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه ی آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند، حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهدات خود را برآورده می‌سازند. بنابر تعاریفی که از حکمرانی خوب شده است، موضوع محوری حکمرانی خوب چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه ساز توسعه اقتصادی مردم

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

سالار و برابرخواهانه باشد. بر اساس سندی که در سال ۲۰۰۶ از سوی بانک جهانی و توسط کافمن، کرای و ماسترازی، ارائه شدحکمرانی خوب دارای شش شاخص میباشد که عبارتند از:

*پاسخگویی و حق اظهار نظر * ثبات سیاسی و نبود خشونت * اثربخشی دولت * کیفیت قوانین، * حاکمیت قانون * کنترل فساد

۲- حکمرانی خوب از دیدگاه نهج البلاغه

شایان ذکر است در نهج‌البلاغه از حاکم جامعه‌اسلامی، با عنوان ملک یا سلطان - که به معنای تملک یا سلطه گری است - یاد نشده است، بلکه با کلماتی مانند امام پیشوا و رهبر و والی رو به رو هستیم.

رهبر و امام کسی است که جمعیت و امتی را به دنبال خود می‌کشاند و خود پیش قراول و طلایه دار حرکت است. والی و ولایت، به معنای پیوستگی است. والی امت و رعیت، کسی است که امور مردم را به عهده دارد و با آنها پیوسته است. وقتی در نهج‌البلاغه در مفهوم حکومت تأمل می‌شود؛ می‌بینیم کسی که در رأس حکومت است، ولی امر و متصدی کارهای مردم است و مکلف به تکلیف الهی مهمی می‌باشد. او انسانی است که بیشترین و سنگین‌ترین بار مسئولیت بر دوش اوست. در سوی دیگر، مردم قرار دارند که باید با همه ارزش‌های مادی و معنوی و آرمان هایشان مورد احترام قرار گیرند و دین و دنیای آنها با هم و در تعامل، ملاحظه شود.

نگاه حضرت علی (ع) به حکمرانی و حکومت، نگاهی الهی است؛ نگاهی که با نگاه دنیامدارانه و قدرت محورانه تفاوت اساسی دارد. حضرت علی (ع) در آغاز حکومت خود، دلیل پذیرفتن آن مسئولیت بزرگ را گرفتن حق ستمدیده از ستمگر برشمرده و آن را پیمانی می داند که خداوند از دانشمندان گرفته است؛ و فرمود: سوگند به خدایی که دانه را شکافته و جانداران را آفریده است که اگر انبوه آن جماعت نمیبود، یا گرد آمدن یاران حجت را بر من تمام نمی‌کرد و خدا از عالمان پیمان نگرفته بود که در برابر شکم بارگی ستمکاران و گرسنگی ستم کشان خاموشی نگزینند، افسار شتر خلافت را بر گردنش می افکندم و رهایش می کردم و در پایان با آن همان می کردم که در آغاز کرده بودم [۲] .

همان طور که از این خطبه بر می‌آید هدف از تشکیل حکومت و حکمرانی در اسلام ؛ تنها اعمال قدرت نیست، بلکه یکی از اهداف اصلی آن رسیدگی به حقوق محرومان و دفاع از مظلومان می‌باشد. هم چنین حضرت علی (ع) در جای دیگر انگیزه خود را از پذیرش حکومت، چنین بیان می‌دارد: پروردگارا! تو می‌دانی آنچه ما انجام دادیم، نه برای این بود که ملک و سلطنتی به دست آوریم و نه برای اینکه از متاع پست دنیا چیزی تهیه کنیم، بلکه بدان سبب بود که نشانه‌های از بین رفته دینت را بازگردانیم و صلح و اصلاح را در شهرهایت آشکار سازیم تا بندگان ستم دیده‌ات در ایمنی قرار گیرند و قوانین و مقررات که فراموش شده است بار دیگر عملی شود [۲] . بنابراین گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه و حاکمیت قانون از جمله اهداف حکومت امام علی (ع) می‌باشد.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

در منطق این کتاب شریف، امام و حکمران، امین و پاسبان حقوق مردم و مسئول در برابر آنهاست، اگر قرار است یکی از این دو (حکمران و مردم) برای دیگری باشد، این حکمران است که برای توده محکوم است، نه توده محکوم برای حکمران. امام علی (ع) در بیان دیگری، مفهوم حقیقی حکومت را پاسداری از حرمت، حقوق و آزادی‌های مردم می‌داند و می رماید : حاکمان پاسبانان خدایند در زمین او [۲]. همچنین امام علی (ع حکمرانی و حکومت را وسیله و امانتی جهت خدمت به خدا و بندگانش می‌داند. به طوری که در قسمتی از نامه خود به اشعث بن قیس «استاندار آذربایجان» فرموده است: فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه امانتی است که به عهده‌ات واگذار شده است [۲].

امام علی (ع) در نامه‌ای که در سال (۳۸ ه. ق) برای مالک اشتر به مناسبت برگزیدن وی به فرمانداری مصر نوشته است، تقریبا تمام اصول و مؤلفه‌هایی را که برای حکمرانی خوب لازم است، بیان کرده است. کمتر موضوعی مربوط به حکومت، اداره جامعه، مدیریت، فرماندهی و تعامل و برخورد با مردم را می‌توان یافت که در این نامه اشاره‌ای به آن نشده باشد. جامعیت این نامه در واقع مانند یک منشور حکومتی است که تمام اصول حکمرانی خوب در آن مشهود می‌باشد.

مواردی نظیر: مردم‌گرایی، هشدار به ریختن‌خون ناحق، خودپسندی، منت‌گذاری، شتاب‌زدگی، امتیازخواهی، عفو و صلح مردم، شادی نکردن برای مجازات و شتاب نداشتن در خشم، خود را امیر ندانستن، قطع ریشه هر دشمنی، وادار نکردن اطرافیان به ستایش و تملق گویی، یکسان قرار ندادن نیکوکار و بدکار، خشکاندن ریشه هرگونه خودخواهی، چپاول‌گری و بی‌انصافی خواص و خویشتن، اجتناب از خونریزی و غیره، که به خوبی نمایانگر شیوه‌ی حکمرانی و اهداف حکومت در اندیشه و سیره عملی آن حضرت می‌باشد. بنابراین، در اندیشه سیاسی امام علی (ع) در مفهوم حکومت وحکمرانی هیچ نشانه‌ای از تسلط و خودکامگی نیست و اگر زمامداران خود را مسلط بر مردمان ببینند و احساس کنند که بر هر تصمیمی و بر هر عملی مجازند، بی‌گمان به خودکامگی و سلطه‌گری کشیده می‌شوند؛ بلکه مفهوم حکومت و حکمرانی مدیریت، امانت داری، خدمتگزاری و مهرورزی، هدایت و پاسداری از حقوق و آزادی‌های مردم می‌باشد.

۳. شاخص های حکمرانی و انطباق آنها با دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه

۳-۱. پاسخگویی و حق اظهارنظر

مقصود از این شاخص میزان مشارکتی است که شهروندان می توانند در انتخاب دولت و نظام سیاسی داشته باشند. این شاخص همچنین بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکل‌ها و اجتماعات، و آزادی رسانه‌های جمعی است. بر اساس این شاخص هر چه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیأت حاکمه داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکل‌ها و انجمن‌ها و نظایر آنها در جامعه بیشتر

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

باشد، و رسانه‌های جمعی و افراد مختلف بتوانند آزادانه فعالیت نموده و نظرات خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب است.

یکی از مهمترین ویژگی‌های حکومت اسلامی، احترام گذاشتن به آرای عمومی و عملی ساختن خواسته‌های مردمی است. از این روست که حضرت علی (ع) هرگز حاضر نبود حکومت را به هر شکل ممکن به دست آورد؛ زیرا معتقد بود، حکومتی می‌تواند مصداق حکمرانی خوب باشد که از اساس، مبتنی بر رعایت ضوابط عقلی و شرعی و مقبولیت مردم باشد. با اینکه براساس مبانی کلامی شیعه، علی (ع) خلیفه‌ی بلافصل و منصوص رسول خدا (ص) و امام واجب‌الاطاعه بود، ولی هرگز درصدد تحمیل حکومت خود بر مردم نبود. از این رو وقتی با دعوت مردم برای قبول خلافت مواجه شد، رفتاری از خود نشان داد که در طول تاریخ بی‌نظیر است، آن حضرت حتی با اصرار از مردم خواست که در صورت امکان او را از قبول خلافت معاف دارند و فرمود: مرا واگذارید و دیگری را طلب کنید، اگر مرا رها کنید، من هم مانند یکی از شما هستم، شاید من شنواتر و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم و اگر در چنین شرایطی من وزیر و مشاورتان باشم بهتر از آن است که امیر و رهبرتان گردم **[۲]**.

امام علی (ع) در این باره سخنان فراوانی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

در نامه‌ای به مالک اشتر می‌فرماید : در سیاست‌گذاری‌ها شیوه میانه را برگزین، که به حق نزدیکتر و عدالت را فراگیرتر است و بیشتر مایه خشنودی همگان (عمدم مردم) می‌گردد و همین باید مدنظر تو باشد، نه خشنودی خواص **[۲]**.

امام علی (ع) در نامه‌ای به «قثم بن عباس» فرماندار مکه می‌نویسد: و نباید بین تو و مردم واسطه و سفیری جز زبانت و حاجب و پرده‌ای جز چهره‌ات باشد و هرگز افراد حاجتمندی که با تو کار دارند از ملاقات خود محروم مساز که اگر آنها از آغاز از در خانه‌ات رانده شوند حل مشکل آنها بعدا جبران نخواهد شد **[۲]**.

حضرت علی (ع) حق سؤال از تمامی ارکان حکومت را برای مردم به رسمیت شناخته و پاسخگویی در قبال سؤالات مردم را بر حکومت واجب دانسته و در این زمینه خطاب به مالک اشتر فرموده است : و اگر رعیت بر تو گمان ستم برد، آشکارا به مردم توضیح ده و عذر خود را نزد آنان بیان کن و با این کار آنها را از بدگمانی بیرون بیاور، که اگر چنین کنی، این کار تو برای تو ریاضت (و تمرین اجرای عدالت) است و برای مردم رفتاری به مدارا و محبت، و صراحت‌گویی در بیان عذر، و در نتیجه، استوار داشتن توده‌ها در راه حق**[۲]**. امام علی (ع) به صراحت می‌فرماید: «برای من است آنچه که برای شماست و بر من است آنچه که بر شما است». این حدیث، برابری همگان در برخورداری از امکانات جامعه و لزوم پاسخگویی ایشان در برابر وظایف را روشن ساخته است. البته، از سایر فرموده‌های مولا استفاده می‌شود که حاکم جامعه اسلامی هرچند در حقوق با دیگران برابر است و زیاده از دیگران حقی بر خود قائل نیست؛ از نظر

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

تکلیف، خود را بیش از دیگران برای خدمت به جامعه و اعلای کلمه حق و اقامه عدل مسئول و مکلف می‌داند.

۳-۲. ثبات سیاسی و نبود خشونت

این شاخص به معنای آن است که چه میزان احتمال دارد یک حکومت و نظام سیاسی از راه های غیرقانونی یا ابزارهای خشونت آمیز در معرض بیثباتی و سرنگونی و براندازی باشد. براساس این شاخص، هر چه احتمال عدم ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان دهنده حکمرانی ضعیف است و هر چه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب میکند.

حضرت علی (ع) چه در دوران برکناری از قدرت در زمان خلفای سه گانه و چه در دوران حکومت پنج ساله خویش، هرگز دست به خشونت نزد و همواره می‌کوشید که اختلافات را از طریق گفت وگو و روش‌های مسالمت‌آمیز حل کند. حکومت ها طبق روش های مادی و دنیامدارانه، سعی می‌کنند از هر ابزاری برای جلب توجه مردم بهره برند، بدون اینکه در حقیقت مردم را به حساب آورند. اما روش حکومت امام علی (ع) مهربانی و مهرورزی عاطفی و معنوی با مردم، توجه به نیازها و مشکلات آنان و تلاش برای خدمت به خلق خدا بود؛ چنان که در نامه خود به مالک اشتر چنین نوشت: دلت را برای رعیت پر از لطف و مهر و محبت کن و بر آنها درنده آزاردهنده‌ای مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری. [۲]

از نظر حضرت علی (ع) مهربانی و محبت با مردم در جذب دل‌ها و اداره کردن انسان‌ها نقش ارزنده‌ای دارد و باعث می‌شود زمامدار بر قلوب مردم حکومت کند. این یک اصل اسلامی است که امام سخت به آن وفادار بود و به آن به عنوان یک اصل مهم در حکمرانی می‌نگریست. امام علی (ع) خونریزی و خشونت را موجب کیفر الهی و سبب زوال نعمت و کوتاهی عمر حکومت معرفی می‌کنند، و آن را نه تنها سست‌کننده پایه‌های حکومت، بلکه از بین برنده آن می‌دانند. نیز در جایی دیگر می‌فرماید: در حکومت اسلامی، ظلم حتی بر مورچه پذیرفتنی نیست [۲] .

از فرموده‌ها و سیره‌ی حضرت علی (ع) کاملا مشخص است که ایشان حتی در مورد دشمنان خود نیز هرگز به ناحق دست به خشونت نزدند و پایه‌های حکومت ایشان بر مبنای مهرورزی و عدالت بود.

۳-۳. اثربخشی دولت[۳]

در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آنها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی، و میزان تعهدی که دولت نسبت به این سیاست‌ها دارد، در این شاخص مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. هر چه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، نشان‌دهنده وضعیت بهتر حکمرانی است. به عبارت دیگر مفهوم اثربخشی به توانایی دولت در قانون‌گذاری، داوری دادگاه‌ها، تصمیم‌های مدیریتی درباره‌ی حاکمیت قانون، عدالت

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

مدیریتی و قضایی اشاره می‌کند. افزون بر آن کیفیت تهیه و تدارک خدمات عمومی و استقلال آنها از فشارهای سیاسی و صلاحیت و شایستگی کارگزاران را بیان میکند.

حضرت علی (ع) در صدر منشور خود خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: این فرمانی است از علی میرالمؤمنین به مالک اشتر فرزند حارث در پیمانی که با او می‌بندد، هنگامی که او را به حکومت مصر می‌گمارد تا خراج آن دیار را جمع آورد، و با دشمنانش نبرد کند، کار مردم را اصلاح، و شهرهای مصر را آباد سازد [۲]. از نظر امام علی (ع)، مملکتی که از جهت دریافت مالیات، از نظر هزینه و بودجه تأمین است، از لحاظ دفع دشمن نیز قدرت جهادی و توان دفاعی قوی را دارد و در این صورت هم کار مردم اصلاح می‌شود و هم شهرها آباد می‌گردد. بنابراین مالک اشتر، به عنوان والی و حاکم مصر، نباید برای خود عنوان و قدرتی کسب کند، یا به دنبال سود و بهره مادی باشد، بلکه باید اداره امور کشور را به عهده گیرد و مالیات بستاند و با دشمنان مردم مبارزه کند و ملت را در مقابل دشمنانشان مصونیت بخشد و آنها را به صلاح مادی و معنوی نزدیک کند و شهرها و حیطه حکومت را آباد کند؛ یعنی انسان‌ها را بسازد، سرزمین را آباد کند و اخلاق و ارزش‌های معنوی را ارتقاء دهد. با استناد به این فرمان می‌توان بخشی از آرمان‌های اساسی حکومت را نظم اقتصادی جامعه، تأمین امنیت، توجه به رشد و اصلاح و تربیت و بالندگی افراد، آبادانی مملکت و تأمین رفاه عمومی دانست. امام علی (ع) در مبحث جمع‌آوری مالیات و اخذ خراج، در عهدنامه مالک، تأکید بسیاری بر توجه حکومت به تولید و عمران دارد.

امام علی (ع) در خطبه‌ی چهلم که خطاب به خوارج ایراد شده، به مباحث مهمی درباره حکومت و ضرورت آن و از جمله هفت وظیفه حاکم عادل الهی اشاره می‌کند: به وسیله او اموال بیت‌المال جمع‌آوری میگردد، تا هزینه‌های دفاعی و عمرانی و انتظامی فراهم شود، به کمک او با دشمنان مبارزه میشود، به وسیله او جاده ها امن میگردد و حق ضعیفان به کمک او از زورمندان گرفته می‌شود [۲]. ایشان به نظارت و بازرسی کارگزاران خویش برای اثربخشی بیشتر دستورات خود توجه بسیاری داشتند به طوری که آن حضرت همیشه به فرمانداران خود توصیه می‌نمودند که افرادی خبره و متعهد و امین به عنوان بازرس به صورت آشکار و پنهان، کار عاملان و کارمندان حکومتی را مورد بررسی قرار دهند و آنچه را که مشاهده نموده‌اند، به فرمانداران گزارش دهند.

از فرمایشات امام علی (ع) در خصوص وظایف حاکم می‌توان به این نکته دست یافت که ایشان به اصل اثربخشی اقدامات دولت پایبند بودند و تمام تلاش خود را برای تحقق عدالت، تأمین سعادت مادی و معنوی و توجه به رشد و بالندگی مردم به کار میبست؛ به طوری‌که تاریخ مؤید این امر می‌باشد، چرا که در دوران حکومت و حکمرانی ایشان توزیع بیت‌المال به صورت کاملا عادلانه صورت می‌گرفت و شکاف طبقاتی به کمترین میزان خود رسید.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

۳-٤. کیفیت قوانین [۳]

منظور از این شاخص، توانمندی دولت در تدوین و اجرای سیاست‌ها و مقررات و نظام‌هایی که موجب گسترش نفوذ و دامنه فعالیت‌های بخش خصوصی می‌گردد. هر چه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌ها و نظام های مختلف، امکان توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و تأثیرگذاری بیشتر آن بر اداره‌ی جامعه را فراهم نماید، شاهد سطح بالاتری از حکمرانی خواهیم بود. عادلانه بودن و فراگیر بودن قوانین نمایانگر کیفیت تنظیم کنندگی می‌باشد که از اصول اساسی حکمرانی خوب محسوب می‌شود.

امام علی (ع)، عدالت را برترین اصلاح می‌داند. زیرا ضعف‌ها، بینظمی‌ها، ناکارآمدی‌ها و. . . ، همه ناشی از خروج امور از موضع خود می‌باشد و سیاست عادلانه، سیاستی است که هر کاری را بر موضع خود بنشاند.

امام علی (ع) قوام و پایداری هر نظام سیاسی را رعایت عدل و انصاف در بین آحاد مردم و دوری از هر گونه تبعیض در بین طبقات مختلف جامعه می‌داند و به کارگزاران حکومتی خود توصیه‌های لازم را می‌نماید: با افراد تحت حکومت خود با عدل و انصاف رفتار کن، که اگر چنین نکنی، بر آنها ستم روا داشته‌ای **[۲]**. در جای دیگر فرموده است: عدالت را به کارگیر و از بی‌انصافی و بی‌عدالتی بر حذر باش که بی انصافی کردن با مردم آنان را آواره می‌کند و بی‌عدالتی به قیام مسلحانه وا می‌دارد**[۲]**. امام علی (ع) معتقد به ضرورت حذف مقررات اضافی و دست‌وپاگیر و مقابله با چاپلوسی و تملق گویی بود؛ به طوریکه در نامه های خود به کارگزاران حکومتی؛ رسیدگی به امور مردم، هم نشینی با آنها و پرهیز از تملق و چاپلوسی را مورد تأکید قرار می‌دهد. امام علی (ع) همچنین در خصوص رسیدگی به امور مردم بدون قوانین اضافی می فرماید: در هر بامداد و شام ساعتی برای رسیدگی به امور رعیت معین کن و به سؤالات آنها شخصا جواب ده **[۲]**. با این توصیفات مشخص می‌شود امام علی (ع)، رسیدگی به مشکلات مردم به طور مستقیم و از نزدیک و بدور از هرگونه برتریجویی حکام و قوانین اضافی و دست و پاگیر را یک اصل اساسی در حکمرانی می دانست و همواره آن را به کارگزاران خود خاطرنشان می ساخت.

۳-۵. حاکمیت قانون [۳]

شاید بتوان معروف‌ترین و کاملترین بیان مدرن از مفهوم حاکمیت قانون را مفهوم تبیین شده به وسیله دایسی دانست. از نظر دایسی سه تعریف کلاسیک از حاکمیت قانون وجود دارد که عبارتند از:

۱- حکومت باید مطابق قواعد عام عمل کند.

۲- همه شهروندان در برابر قانون برابرند.

۳- اصول بنیادین قانون اساسی نتیجه تصمیمات قضایی مربوط به حقوق فردی بر مبنای قانون عرفی است. قانون اساسی محصول قانون عرفی- سرزمینی است. در تعریف دیگری، حاکمیت قانون شامل حفاظت از حقوق مالکیت و استقلال قضایی و کنترل فساد می‌باشد.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

برقراری سیستم حکمرانی خوب نیازمند چهارچوب‌های قانونی عادلانه و منصفی است که از ویژگی بیطرفانه برخوردار است. در این چهارچوب باید از حقوق کلیه افراد خصوصا حقوق محرومان محافظت به عمل آید. اجرای اینگونه قوانین در یک فضای بی‌طرفانه و مبتنی بر انعطاف، نیازمند دستگاه قضایی مستقل و نیروی پلیس بیطرف و عاری از فساد است. این که تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی هستند و می‌توان به اجرای آنها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود. در این شاخص به ویژه کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد محاکم قضایی، و همچنین میزان احتمال جرم و خشونت در یک جامعه مدنظر است.

یکی از اموری که حضرت علی (ع) به آن توجه جدی داشتند، قانون مدار بودن و اجرای قانون الهی به معنای واقعی کلمه بود. اگر کسی بر خلاف قانون عملی می‌کرد، بدون در نظر گرفتن موقعیت و مقام وی، حدود الهی و قانونی را بر وی اجرا می‌کرد و هیچ واسطه و شفاعتی را نمی‌پذیرفت. همان طور که قبلا خاطرنشان گردید ایشان در خطبه ۱۳۱ اهداف بلند خویش را از به دست گرفتن حکومت؛ گسترش معنویت، ایجاد امنیت و افزایش رفاه در جامعه (به خصوص احقاق حق افراد ستمدیده) و حاکمیت قانون، بیان می کند. نحوه برخورد حضرت علی (ع) با برادرش عقیل که سهم بیشتری از بیت المال را، درخواست کرده بود، نشان‌دهنده پایبندی او به قداست و حرمت قانون الهی است. در حکمرانی حضرت علی (ع) به هیچکس ظلم و ستم نمی‌شود و همه در برابر قانون مساوی هستند. استواری او در برابر کسی که از راه دین وارد شده و می خواهد به ایشان رشوه بدهد به حدی است که می‌فرماید: آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی یا عقلت آشفته شده یا جن زده شده‌ای یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من بدهند تا خدا را نافرمانی کنم و پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد [۲]. همچنین آن حضرت به یکی از مدیران خود که در بهره‌گیری از بیت‌المال قانون را رعایت نکرده بود نوشت: «خدا را سوگند که اگر حسن و حسین کاری همانند تو می‌کردند، با آنان کمتر سازشی نمیکردم و با هیچ تصمیمی بر من چیره نمی شدند، تا این که حق را از آنان باز میستاندم و باطلی را که از ستم آنان پدید آمده بود، ناپدید می‌کردم [۲]. در ذیل خطبه ۱۰۴ می‌فرماید: به خدا سوگند درون باطل را می‌شکافم تا حق را از پهلویش بیرون کشم [۲]. حضرت علی (ع) در فرمان‌های خود به نمایندگانش بارها تذکر داده است که حرکت‌های خویش را، در مسند مدیریت بر محور قانون شکل دهند و به آنان توصیه می‌کرد که در جامعه اسلامی، هرگز نباید ضابطه‌ها در برابر رابطه‌ها رنگ ببازند و اگر چنین شد، صاحبان نام و نان، قانون را اسیر خواسته‌های نفسانی خود خواهند کرد و ضعفا و محرومین حقوقشان پایمال می‌شود.

با این اوصاف از سیره و گفتار امام علی (ع) می‌توان دریافت؛ تساوی و برابری حقوق و قاطعیت در اعمال قانون از اصول اساسی حکمرانی آن حضرت بوده است که بسیار بر آن تأکید می‌نمود.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

۳-٦. کنترل فساد [۳]

براساس تعریف کافمن و کرای فساد عبارت است از: استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی [۲]. آنچه در این شاخص مدنظر قرار میگیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوءاستفاده و در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار می گیرد.

این شاخص، هم فسادهای جزیی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. بر اساس این شاخص هر چه نظام سیاسی و دولت در تسخیر اغنیاء و منافع خصوصی باشد، نشان‌دهنده‌ی حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه‌ی بالاتری از حکمرانی است. حکمرانی خوب، فساد را از طریق افزایش آگاهی و تقویت قوانین ضدفساد کاهش می‌دهد. همچنین فساد، توانایی حکمرانیخوب را تحلیل برده و زمینه انحراف تصمیمات و اجرای سیاست‌ها را میسر می کند. علاوه بر این فساد به متمرکز کردن ثروت‌ها گرایش دارد و نه فقط شکاف میان فقیر و غنی را افزایش می‌دهد، بلکه برای اغنیا ابزارهای نامشروع حفاظت از موقعیت و منافعشان را تأمین می کند. این امر به شرایط اجتماعی که دیگر انواع جرایم را تسهیل میکند، از جمله بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی و حتی تروریسم کمک می کند. اما در خصوص مبارزه با فساد، امام علی (ع) در میان حاکمان تاریخ بی‌نظیر است. امام علی (ع) در خصوص نقش حاکمان در جلوگیری از فساد فرموده‌اند: همانا زمامدار، امین خدا در زمین، برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است [۲].

ایشان درباره‌ی آن چه خلیفه قبل از بیت‌المال به خویشان خود بخشیده بود، و امام آن را به مسلمانان بازگرداند، فرمود: به خدا، اگر ببینم که به مهر زنان یا بهای کنیزکان رفته باشد، آن را باز می گردانم که در عدالت گشایش است و آن که عدالت را بر نتابد، ستم را سخت‌تر یابد [۲]. ایشان امام علی (ع) در ارتباط با سوء استفاده مالی شریح بن‌الحارث قاضی کوفه میفرماید: به من خبر دادند که خانه ای به ۸۰ دینار خریده‌ای و سندی برای آن نوشته‌ای و گواهانی آن را امضا کرده‌اند. ای شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران و یا پول حرام نخریده باشی که آنگاه خانه دنیا و آخرت را از دست داده‌ای [۲]. همچنین در نامه ای به مصقله بن هبیره شیبانی فرماندار یکی از شهرهای ایران فرموده است : به من گزارش رسیده که تو غنایم مربوط به مسلمانان را که به وسیله اسلحه و اسب‌هایشان بدست آمده و خون هایشان در این راه ریخته شده در بین افرادی از قبیله ات تقسیم کرده‌ای. اگر این صحیح باشد در نزد من خوار خواهی شد و ارزش و مقدارت کم خواهد بود [۲].

به طورکلی سنت و سیره و سخنان آن بزرگوار در خصوص مبارزه با فساد از چند ناحیه می‌باشد: نقد نسبت به گذشتگان، تبیین سیره‌ی پیامبر (ص)، تبیین سیره عملی خود آن بزرگوار، بر حذر داشتن از صفاتی که حاکمان و امت‌های گذشته گرفتار آن بوده‌اند، بر حذر داشتن از اخلاق رذیله و عوامل سقوط و انحراف و انحطاط که به نوعی تعریض در آن نهفته است و بیان مواعظ بالغه و نصایح حکیمانه و دستورات خردمندانه که چراغ محکم راه و قطب نمای حرکت جامعه است.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

٤. سایر ویژگی‌های حکمرانی خوب از دیدگاه امام علی (ع)

٤-١. توجه به فرهنگ و اصلاحات فرهنگی

امام علی (ع) در عرصه‌ی احیای فرهنگ اسلامی بالاترین فرد بعد از رسول خدا (ص) به شمار می‌روند و گواه این مدعا یکی اندیشه‌گران سنگ و شفاف حضرت است که در گفتار وی می‌درخشد و دیگری رفتار آن امام می‌باشد که به بخشی از تاریخ اسلام جلوه داده است. فرهنگ به یک تعبیر زیربنای مسایل اقتصادی و سیاسی است و تا فرهنگ تغییر نکند، تحول در حوزه‌های دیگر ممتنع مینماید. اصلاحات فرهنگی چیزی جز حاکمیت حقیقی دین بر زندگی فرد و اجتماع نیست، در حقیقت هدف از اصلاحات فرهنگی، حاکم کردن «خدامحوری» به جای «هوا محوری» است.

امام علی (ع) در راستای اصلاح فرهنگ و برقراری فرهنگ اسلامی دو اقدام اساسی انجام داد:

الف) مبارزه با انحرافات دینی که پس از رحلت پیامبر (ص) و خلفای پیشین ایجاد شده بود: در عصر خلفاء موضوع تبلیغ اسلام و بیان معارف صحیح که از عناصر اصلی سازنده ی فرهنگ و اخلاق در جامعه است، مورد غفلت و بیمهری قرار گرفت و به بهانه حفظ قرآن و تفسیر قرآن و بیان احادیث پیامبر اسلام و کتابت حدیث را ممنوع ساختند. از مهاجرت اصحاب پیامبر (ص) و تربیت شدگان مکتب توحید و تماس آنها با ملت‌های تازه مسلمان به بهانه های مختلف جلوگیری کردند و فرماندهی فتوحات و لشکرها را به کسانی سپردند که نه تنها از تربیت شدگان مکتب پیامبر (ص) نبودند بلکه آشنایی با دین هم نداشتند و در پی منافع شخصی و غنیمت به جنگ می‌رفتند. در چنین شرایطی جامعه اسلامی به شدت دچار فقر فرهنگی و خلاء معنوی گردید. لذا میتوان ویژگی‌هایی نظیر تحجرگرایی و کج فهمی را از مشخصات بارز جامعه‌ای دانست که امام علی (ع) در آن به خلافت رسید.

امام علی (ع) با قبیله‌گرایی و سنت های غلط و تعصبات قبیله‌ای و فروریختن ارزش‌هایی که مردم با پایبندی و تقویت آنها موجب قدرتمند شدن رؤسای قبایل و فرصت طلبان میشدند، به مبارزه پرداخت.

ایشان در خطبه ۱۴ ابزار دست دیگران قرار گرفتن را نشانه‌ی سفاهت و نادانی دانسته و می‌فرماید: خردهایتان اندک است و سفاهت در شما نمایان، نشانه تیر بلایید و طعمه لقمه و پایان و شکار حمله‌کنندگان [۲]. امام علی (ع) افتخار قومی و قبیله‌ای و نسبی را به باد انتقاد گرفته و می فرماید: ای مردم، امواج فتنه‌ها را با کشتی نجات در هم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید و تاج فخر و برتری‌جویی را بر زمین نهید، رستگار شد، آن کس که با یاران بپا خواست، یا کناره گیری نمود و مردم را آسوده گذاشت[۲].

ب) مبارزه با جهل عمومی [۳] **:**امام علی (ع) فقر فرهنگی (بی سوادی و جهل) را سرزنش و غنای فرهنگی (سواد و دانایی) را مورد ستایش قرار داده است. امام علی (ع) عقل را بالاترین غنا و بی‌نیازی معرفی می‌کند و حماقت و نداشتن عقل و تدبیر را بالاترین و شدیدترین درجه فقر می‌دانند. از نظر امام

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

علی (ع) تعلیم و زمینه‌سازی رشد ایمان در جامعه‌اسلامی، یکی از وظایف حکومت اسلامی به شمار می‌رود: مردم! مرا بر شما حقی است، و شما را بر من حقی! بر من است که خیرخواهی از شما دریغ ندارم، و حقی را که از بیت المال دارید بگذارم، شما را تعلیم دهم تا نادان نمانید و آداب آموزم تا بدانید [۲].

٤-۲. توجه به معیشت مردم [۳]

از دیدگاه امام علی (ع) دولت مؤظف است سیاست‌های اقتصادی خود را به شکلی تنظیم کند که حاجات اولیه و ضروری مردم برآورده شود. بدیهی است یکی از راه‌های رسیدن به این هدف، بازپس گیری اضافه ثروت اغنیا از راه های شرعی و حکومتی میباشد. امام علی (ع) می‌فرماید: فقر تهیدستان در ارتباط مستقیم با ثروت‌اندوزی اغنیاست، و خداوند قوت فقرا را در اموال اغنیا قرار داده است[۲].

محکم ترین گفتار امام در مورد تأمین نیازهای مردم، گفتاری است که امام علی (ع) در نامه اش به مالک اشتر هنگامی که او را به ولایت مصر منسوب کرد نوشت و به او فرمود: سپس خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره ای ندارند و عبارتند از: زمین گیران، نیازمندان، گرفتاران و دردمندان همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن‌داری کرده و گروهی دیگر دست به گدایی و دست نیاز بر می‌دارند پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند بر این طبقه معین فرموده است [۲]. رسیدگی به مردم و آسایش و امنیت آنان از دغدغه‌های حکومتی امام علی (ع) بوده است. فقر و ضعف عمومی مردم و مشکلات و رنج‌های آنان، حضرت را می‌آزرد به گونه‌ای که شکوه می‌کرد: چگونه من راحت بخوابم و دلخوش باشم که امیر مردم هستم در حالی که شاید در حجاز و یمامه و اطراف، افرادی باشند که گرسنه یا تشنه به سر برند[۲].

٤-۳. شایستگی کارگزاران [۳]

یکی از شاخصه های حکومت امام علی (ع)، اهتمام و دقت در شایسته سالاری است، به طوریکه ایشان ملاک و مبنای اصلی انتخاب وزیران و مشاوران و کارگزارانش را شایسته سالاری قرار داده بودند. شاید بعد از عدالت، مهمترین اصل در حکومت آن حضرت دقت فراوان در این امر بوده است که لازمه اجرای دقیق عدالت می باشد. عدالتی پایدار و ارزشمند است که مجریان آن خود از شایستگان و نیکان باشند. از این رو، آن حضرت یکی از برنامه های اصلاحی خود را برکناری والیان فاسد و گماشتن نیروهای شایسته، مطمئن و باتقوا به جای آنها قرار داد.

امام علی (ع)، کارگزاران خود را در مسؤولیت‌های مختلف سیاسی، نظامی، مالی، اداری، قضایی و غیره بر اساس شاخصه‌هایی متناسب با سمت آنان انتخاب می‌کرد. علاوه بر معیارهای عمومی و مشترک در جنبه‌های عقیدتی و اخلاق فردی مانند عقیده به اسلام، ایمان، تقوا، حسن سابقه و این قبیل ویژگی‌ها، معیارها و شاخصه‌های دیگری را در انتخاب کارگزاران رعایت می‌کرد تا با ایجاد نظام مدیریتی کارآمد و شایسته، امور مردم به بهترین شکل انجام شده و عدالت اجتماعی تحقق یابد. ایشان در نامه‌ای به محمدبن

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

ابی‌بکر که به سبب عزل شدنش از حکومت مصر دلگیر شده بود، دلایل عزل او و انتخاب مالک اشتر را به جای وی بیان نموده است که شامل موارد زیر می‌باشد: خیرخواهی نسبت به رهبر و امام جامعه، صلابت و قدرت مقابله در برابر دشمن، عدم مسامحه و سازش با مخالفان و توانایی لازم برای انجام مسؤولیت.

به طور کلی از مجموع روایات و فرامینی که از آن حضرت به ما رسیده است ملاک‌های عمده شایسته سالاری در انتخاب کارگزاران امام علی (ع) عبارتند از: حکمت و مدیریت، تدبیر و تدبر، شجاعت و قاطعیت، تقوی و تقدس، عفت و سلامتی نفس، کفایت و جامعیت، حسن سابقه و سلامت خانوادگی، سیاست و معرفت، قدرت و زکاوت، امین بودن در امانت، مهربانی و صمیمیت، عدالت و انصاف، نصیحت و خیرخواهی، سختگیری به دشمنان و مهربانی و صمیمیت به مسلمانان.

٤-٤. ضرورت مشورت در حکومت [۳]

مشورت در حکومت از جمله مهمترین معیارهای حکمرانی خوب از دیدگاه امام علی (ع) می‌باشد، به طوریکه ایشان در اکثرنامه‌های به کارگزاران خود بر نفی نگرش مستبدانه و تأکید بر بهره‌مندی از افکار و پیشنهادها و مشاوره‌های دیگران تأکید می‌کردند. از امتیازات دیدگاه امام علی (ع) به حکومت، نفی نگرش مستبدانه است ؛ به طوریکه ایشان متذکر می‌شوند در غیر از مواردی که حکم روشن الهی وجود دارد، باید با مشورت از پیشنهادها و انتقادات مردم استفاده کرد: پس با من چنان که با سرکشان گویند، سخن مگویید و چونان که با تیزخویان کنند، از من کناره مجویید. به ظاهرآرایی با من رفتار ننمایید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید. و نخواهم مرا بزرگ انگارید [۲].

ایشان در جای دیگر به مالک دستور میدهند که با دانشمندان در امور مملکت و حوزه مدیریت خود مشورت کند و از دیدگاه های آنان در اصلاح امور مملکت بهره ببرد.

خصوصیات و معیارهای مدیران در نهج البلاغه:

الف: معیارهای تخصصی: این دسته از معیارها، برای انجام موفقیت‌آمیز شغل لازم است. این معیارها معمولاً بین مدیریت اسلامی و مدیریت غربی مشترک است. معیارهایی نظیر تحصیلات، تجربه، سابقه کاری، علم و دانش، تجربه‌کاری، حسن تدبیر، سعه صدر، شایستگی و کفایت، نظم و انظباط، حسن سابقه، داشتن پشتکار و دوری از تنبلی، تند ذهنی و داشتن حافظه قوی، داشتن قدرت تشخیص و تجزیه‌وتحلیل، آینده نگری، بلندی همت، قدرت و توانایی، استقامت در برابر مشکلات، قاطعیت، شجاعت،

ب: معیارهای ارزشی: این دسته از معیارها شامل مجموعه ای از رفتارهای قابل قبول جوامع انسانی می باشد که در اکثر جوامع ممکن است قابل قبول باشد و به نام ارزش‌های جهانی نیز شناخته می‌شوند. مانند رعایت حقوق دیگران، گشاده‌رویی.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

وفاداری، تواضع و فروتنی، تسلط بر خشم، عدالت و انصاف، گشاده‌رویی، میانه روی در درشتی و نرمی، امانتداری، رفق و مدارا، عنایت به کارکنان، صبر و بردباری، طرد سخن‌چین، خوش بینی نسبت به دیگران، عیب‌پوشی و پرهیز از عیب‌جویی، ارتباط مستقیم با کارکنان، پرهیز از غرور و تکبر، گذشت و پوزش‌پذیری، وفای به عهد، جاذبه و دافعه، صداقت، اعتماد به نفس، مشورت کردن، احتیاط و دقت در قضاوت.

ج: معیارهای مکتبی: معیارهای مکتبی ریشه در مکتب اسلام و مدیریت اسلامی دارد. جایگاه و مفهوم انسان در دو مکتب الهی و مادی، معیارها و ملاک‌های انتخاب افراد در مناصب و مدیریت‌ها را نیز شکل می‌دهد به طوری که در مکتب تیلوریسم به انسان به عنوان (گوریل باهوش) و در مکتب اسلامی به عنوان (خلیفه الله) نگریسته می‌شود. در مدیریت اسلامی هدف صرف تولید نیست و غایت، تعالی انسان می‌باشد. همان تفاوت‌هایی که بین مدیریت اسلامی و مدیریت علمی وجود دارد، به تفاوت‌هایی در معیارهای انتخاب و انتصاب افراد منجر می‌شود لذا در اسلام معیارهای ارزشی و مکتبی اهمیت و گستردگی فراوانی پیدا می کند.

تقوی، امید به پاداش الهی داشتن و بیمناک از عذاب او بودن ، اطاعت از اوامر خدا و یاری کردن او، توانایی در کنترل نفس، توکل بر خدا، قیام به وظیفه، حق‌گرایی، مسئولیت در قبال جامعه، مهربانی با ضعیفان و قاطعیت با قدرتمندان، خیرخواهی، داشتن آرمان، اهمیت دادن به نماز، عبرت از گذشتگان، امتیاز ندادن به خویشاندان، صرفه جویی در اموال عمومی، عدم همکاری در اعمال خلاف، پرهیز از سوئ استفاده از مقام، چهارده معیار برای شایستگی مدیران در جامعه اسلامی در بیانات امام علی (ع)

۱. عدالت [٦]

رعایت عدالت در جامعه از اصلی‌ترین دغدغه‌های امام علی (ع) به شمار می‌رود بخش اعظم خطبه‌ها و نامه‌های ایشان دربرگیرنده توصیه‌ها و فرمان‌هایی در این خصوص است. از نظر ایشان خداوند متعال عدالت را سبب قوام حیات مردم قرار داد تا ظلم و نابسامانی و گناه آن را از هم فرو نپاشد. عدالت در سیره نظری و عملی امام علی (ع) به عنوان پایه و اساس حکومت و مدیریت اسلامی محسوب می‌شود، لازمه شکل گیری و حرکت یک نظام حکومتی بر مبنای عدالت، رعایت عدالت در گزینش مدیران و کارگزاران است. از بارزترین مصداق‌های این امر رعایت شایستگی‌های افراد در واگذاری مسئولیت به آنهاست این امر ضامن سلامت حکومت از مفاسد اداری است، زیرا کارها به وسیله کارگزاران شایسته درست می‌شود.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

۲. علم و آگاهی

از نظر امام علی علیه السلام برای تصدی مدیریت جامعه در درجهٔ اول علم و آگاهی معیاری ضروری است. علم در این جایگاه دارای مفهومی عام و ابعادی گسترده است که به برخی از این ابعاد اشاره می‌کنیم: یکی از ابعاد علم و آگاهی آشنایی با مهارت‌های تجزیه و تشخیص درست مسائل است. مدیر پیوسته با حوادث و مشکلات گوناگونی روبه رو می‌شود که باید اقدامات لازم را در قبال آنها انجام دهد. یکی از نکات کارساز در تحلیل صحیح حوادث و مشکلات توجه به شباهت حوادث جدید گذشته است.

۳. حسن تدبیر

یکی از نکات ضروری در حسن تدبیر مدیریتی، پیش‌بینی و آینده‌نگری است و کسانی که بتوانند بهترین و عملیترین شیوه جهت رسیدن به اهداف را پیش بینی نمایند و با تیزهوشی مشکلات را حدس بزنند و برنامه را به گونه‌ای تهیه کنند که در هنگام اجرا با کمترین مشکل مواجه شود افرادی موفق خواهند بود و خطاهای آنان نیز کمتر است. امام علی ع آینده‌نگری را ملاک دانایی برشمرده‌اند. امام در خصوص دوراندیشی و عاقبت اندیشی می فرمایند: بینادل خردمند، پایان خویش بیند و پستی و بلندی و فراز و نشیب خود را می شناسد[۲] .

٤. آشنایی با فنون برنامه‌ریزی و زمانبندی و ایجاد نظم در امور جاری [٦]

مدیران وظایف متعدد و زمانی محدود برای رسیدگی به آنها دارند، بدون برنامه‌ریزی صحیح و زمانبندی کارها و ایجاد نظم در روال امور انجام این وظایف متعدد در وقت محدود ناممکن است، از این رو امام علی ع به انجام کار هر روز در همان روز و رعایت نظم در امور سفارش می‌کند. امام علی ع کارگزاران خود را به زمان‌شناسی و پرهیز از شتابزدگی و اهمال و سستی توصیه می‌فرمایند.

۵. قاطعیت [٤]

قاطعیت از ریشهٔ قطع به معنای برش داشتن و فیصله‌دادن به امور و حل مشکلات است و به گونه‌ای که فرد در اداره افراد تحت امر خود کمتر دچار حیرت و تردید و ضعف در تصمیم بشود و موانع پیشرفت را از سر راه بردارد و گره‌های کور را بگشاید. امام علی (ع) در معرفی مالک به مردم مصر از قاطعیت کامل و تیزی و برش او در حکومت تعریف می‌کند. قاطعیت به معنای پافشاری بیش از حد و فشار بر زیردستان و بی‌اعتنایی به سخنان آنان و انعطاف ناپذیری در تصمیمات نیست چنین رفتاری بر خلاف اصول مسلم اسلامی و در برخی موارد و امر به تکلیف خارج از حد توان و طاقت است. امام علی (ع) در این مورد نیز می‌فرمایند: فشار و سختگیری بی مورد از پستی است [۲]. قاطع نبودن آفت حکومت و مدیریت است، قاطعیت در دو مرحلهٔ اتخاذ تصمیم و اجرای قاطعانهٔ آن به دور از هرگونه

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

شک و تردید است. دودلی و قاطع نبودن مدیر باعث سرایت تردید و ابهام و سردرگمی او به همهٔ افراد تحت امر شده و مانع از انجام کارها در زمان مناسب و رسیدن سازمان به اهداف مورد نظر خود است، امام علی ع از شک و تردید بی مورد نهی کرده و امر به اقدام و عمل پس از رسیدن به یقین نموده‌اند.

٦. رفق و مدارا [٤]

این واژه به معنای نرمش در برخورد با دیگران، یکی از خصوصیت‌های اخلاقی اجتناب ناپذیر برای مدیر است که وی را قادر می‌سازد در شرایط مختلف انعطاف‌پذیری لازم را داشته و افرادی را که سلیقه‌های گوناگون و اندیشه‌ها و احساسات متضاد دارند، در جهتی که خود می خواهد هدایت کند و به کار گیرد.

اصل در سیاست امام علی (ع) بر رفق و مداراست تا جایی که کارساز افتد در صورتی که رفق و مدارا دیگر تأثیرگذار نباشد مسئول باید با جدیت افراد را به اطاعت از اوامر خود وا دارد، امام علی (ع) می‌فرمایند: در صورتی که نرمش حماقت باشد، تندی خاصیت نرمش را دارد [۲]. ایشان طی نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود می نویسند : شدت و خشونت را با قدری نرمش و ملایمت بیاموز و سیاست رفق و مدارا پیشگیر تا آنجا که مناسبتر باشد و آنجا که جز خشونت مفید نیست تصمیم به خشونت بگیر [۲].

۷. نشاط و شادابی [٤]

مدیران باید دارای نشاط‌کاری و از کسالت و منفی‌بافی و بی‌تحرکی دور باشند، امام علی (ع) می‌فرمایند: در کارهایت بر انسان‌های کسل تکیه نکن [۲]. نشاط از لوازم و مقومات شایستگی و شایسته سالاری و پیوسته با کسالت و منفی‌بافی و بی‌تحرکی در تضاد است، مدیر لایق نه تنها خود از چنین اوصافی به دور است، بلکه با قاطعیت تمام چنین اوصافی را در سازمان تحت امر خود نیز برنمی‌تابد و کسانی را که قابل اصلاح نباشند در مجموعهٔ کاری خود تحمل نمی‌کند؛ زیرا بیماری چنین افرادی مسری است و نه تنها خودشان خیر و صلاح به دنبال ندارند، بلکه دیگران را نیز به سستی و خمودی می‌کشند.

۸- شرح صدر

این عبارت مرکب از دو کلمهٔ «شرح» و «صدر» است. شرح در لغت به معنای بسط و گسترش و باز کردن امر به هم پیوسته و فشرده است. در دو معنای حقیقی قفسهٔ سینه و معنای مجازی آن، جایگاه ادراکات و شناخت‌های انسان یا محلی که مرکز ادراک‌های عقلی و قلبی انسان در آن قرار دارد در اینجا مقصود از صدر همین معنای دوم است و شرح صدر در این معنا عبارت است از: گسترش جایگاه ادراکات و شناخت‌ها و احساساتی که به نور الهی و سکینتی از ناحیهٔ خدا بر انسان وارد می‌شود.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

در مقابل ضیق صدر که به معنای کم ظرفیتی و گنجایش‌ناپذیری لازم نسبت به واردات فکری و روحی است. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: کسی که سینه‌اش تنگ باشد برای ادای حق تاب نیاورد[۲]. به سبب همین شرح صدر بود که رسول خداص آن همه سختی را باگشاده‌رویی تحمل کرد و آزارها و فشارها و مصیبت‌ها او را از میدان مبارزه در راه حق و هدایت خلق بیرون نبرد. مدیریت اسلامی بدون شرح صدر، سامان نمی‌یابد، امام علی (ع) می‌فرمایند: ابزار ریاست و رهبری سینهٔ گشاده است[۲].

۹. قانونمندی

یکی از ویژگی‌های ضروری برای مدیران، داشتن روحیهٔ تسلیم در برابر قانون است، مدیر باید در چارچوب مسئولیت خود تنها به اجرای قوانین بیندیشد و رابطه‌های حسبی و نسبی و اغراض شخصی را بر اصول قانونی ترجیح ندهد قانون ابزار مدیریت است که از راه آن مدیر را به مقصود هدایت می‌کند. امام در یکی از خطبه‌های آغازین حکومت خود مساوات در برابر قانون را از ارکان اصلاحات خود برشمرده و فرمود: ما قانون را میان سیاه و سرخ یکسان برپا می‌داریم و مساوات را برقرار می‌سازیم[۲]. زمانی که عمر به خلافت مسلمانان رسید امام علی ع به او فرمودند: سه موضع است که اگر آن را در حکومت خود داشته باشی از دیگر امور بی نیازی و اگر این سه نباشد اعمال تو سودی نخواهد داشت. پرسید این سه کدامند؟ حضرت فرمودند: اجرا کردن قانون خدا در مورد دوست و بیگانه، قضاوت بر مبنای کتاب خدا در حال خشنودی و خشم، و توزیع اموال عمومی بدون در نظر گرفتن هیچ رابطه‌ای بین سرخپوست و سیاه پوست[۲].

۱۰. مشورت و رایزنی

مشورت به معنای بهره‌گیری از اندیشه و نظر دیگران در اسلام و سیره پیشوایان ما از اهمیت بسیاری برخوردار است و به عنوان حرکتی رشددهنده برای شخصیت افراد، و مفید مطرح شده است. مشورت در زندگی سیاسی نظامی و حکومتی پیامبر اکرم(ص) به عنوان اصلی تربیتی مورد توجه قرار داشته و نمونه‌های بسیاری از مشورت پیامبر اکرم (ص) با مسلمانان در تاریخ ثبت است تا جایی که مورخان و مفسران اسلامی کثرت مشاوره را از خصایص و سیره پیامبر اکرم (ص) برشمرده‌اند مشورت با دیگران در مسند حکومت و مدیریت اسلامی به معنای نقص فکری در اموری که آگاهی به آن از حوزه اطلاعات مدیر خارج است نیست؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) با وجود اینکه خود عقل کل بوده‌اند و از طریق وحی به منبع لایزال علم و قدرت خداوند ارتباط داشتند در امور ساده و جزئی نیز با دیگران مشورت می‌کردند که رمز و راز چنین عملکردی را باید در همان جنبه‌های سیره تربیتی پیامبر اکرم (ص) جستجو کرد؛ البته باید دانست حوزه مشورت در جایی است که دستور صریح خداوند

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

وجود نداشته باشد؛ زیرا در صورت وجود حکم صریح الهی جایی برای مشورت نیست و همه موظف به تسلیم هستند؛ لکن در نحوه اجرای احکام، مشورت مطرح است.

۱۱. سخنوری و برخورداری از لوازم قدرت تفهیم

سخن به فرموده امام علی علیه السلام آئینه تمام نمای عقل انسان و ابزار شناخت اوست[۲]. سخنان ناپسند زمینه بسیاری از دشمنی ها اختلافات و درگیریها را فراهم می کند، چنانکه در قرآن کریم آمده است: «به بندگانم بگو: سخنی بگویند که بهترین باشد، زیرا شیطان به وسیله سخنان ناموزون میان آنها فتنه و فساد می‌کند» [۱]. توانایی تبیین مسائل، از امور مهم در مدیریت است. کسانی که بتوانند به خوبی سخن بگویند، قادرند به راحتی در تبیین برنامه‌ها، مشکلات و راه‌حل‌ها موفق شوند و نیروها را به کار دلگرم و کدورت‌ها را مرتفع سازند. آنان در پاسخگویی به انتقادات بی مورد موفق و از سخنرانی به عنوان ابزاری برای القای مقصود خویش استفاده کنند. برای اینکه کلام بتواند نقش مؤثر خود را در مدیریت ایفا کند، مدیر باید قدرت تفهیم مقصود خود را داشته باشد و رعایت زیبایی و نظام سخن را بنماید. امام علی (ع) می‌فرمایند: بهترین کلام آن است که با نظام خوب زینت شده باشد و خاص و عام آن را بفهمند [۲]. شناخت ظرفیت مخاطب یکی از ویژگی‌های اساسی در سخن گفتن است، مدیر همچنین باید نیازهای مادی و معنوی شنونده را در نظر بگیرد و بر مبنای آن نیازها سخن بگوید. مدیر دانا باید کم بگوید تا سخن او مورد توجه واقع شود و اثربخش باشد. امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «سخن مانند داروست، کم آن سودمند و زیاد آن کشنده است» [۲].

۱۲. جاذبه و دافعه صحیح

در مدیریت اسلامی براساس آیات و روایات دو اصل اساسی مطرح است یکی اصل محبت و دوستی و دیگری اصل شدت و سختگیری هرچند که محبت ممکن است به جذب منجر شود؛ اما این امکان نیز وجود دارد که سختگیری به دفع برخی دیگر بینجامد. کارگزاران و مدیران باید بدانند که در اسلام اصل اولیه، محبت و دوستی است مگر اینکه این اصل کارساز نیفتد، که در صورت لزوم باید به شدت و خشونت متوسل شد، از این رو مدیر شایسته کسی است که در خود هر دو نیروی جاذبه و دافعه را با قوت کافی داشته باشد و یک بعدی نباشد؛ زیرا داشتن هر دو بعد جاذبه و دافعه نشانه دارا بودن شخصیت است.

الف) اصل محبت: مدیر برای جذب همه زیردستان باید در مرحله ابتدایی برای همه رحمت باشد و بر مبنای مهرورزی رفتار کند اگر انجام امور با مهرورزی توأم شود صورتی زیبا و به طور کامل انسانی می‌یابد و موجب پیوند جان‌ها و الفت قلب‌ها می‌گردد. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: دل‌های آدمیان رمنده است، پس هر کس که با آن الفت برقرار سازد روی بدو نهد[۲].

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

ب) اصـل شدت عمل: سفارش و تأکیدهای فراوانی در آیات و روایات بـر محبـت و دوسـتی وارد شده است، امـا بـاید دانسـت که ایـن سفارشـات بـه معنـای قاطعیـت نداشـتن و سسـتی در برخوردهـا نیست. برخورد آرام و با محبت با اعمال خلاف و بی‌اعـتنایی بـه قانون صحیح نیست. اسلام همانگونـه که تأکید بر محبت کرده دستور بر کـیفر مـجرمان داده اسـت و قوانین جزایی بسیار سختی برای مجرمان و جنایتکاران وضع کرده و با جریمه مالی و یا تنبیه بـدنی و در مـواردی اعـدام نسـبت بـه خطاکـاران، واکنش نشان داده است. امام علی (ع) می‌فرمایند: «در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن. امـا آنجـا کـه جز با شدت عـمل کـار از پیش نمی رود شدت را به کار بند [۲].

۱۳. اطاعت از مافوق [۵]

موضوع دیگری که در این بحث مطرح است مسئله فرمانبری از مافوق می باشد اصلی پذیرفته شـده در بین همه عقلای عالم، از این رو کـسی کـه مـسئله برقراری حکومت و ایجاد حاکمیت بـرای انـجام امـور اجتماعی انسان‌ها را پذیرفته باشد، نمی تواند لزوم فرمانبری از حاکم را نپذیرد لـیکن در عمـل یکی از چالشی‌ترین مسائل در مدیریت همین موضوع است. انـسان چـون مـوجـودی مختـار اسـت می خواهد تا جایی که امـکان دارد بـر مبنای اختیار خود عمل کند و آنچه را خود صـحیح تشـخیص داده انجام دهد. در یک مجموعه افراد زیادی وجود دارند و برای پیشگیری از هرج و مـرج و انـجام صـحیح امور امکان ندارد هر فردی طبق تشخیص خود عمل کـنـد در چنـین شـرایطی لـزوم وجـود فردی واحد به عنوان حاکم که حرف آخر را بزند تا دیگران خود را با او تطبیق دهـند بـه خـوبی نمایـان است. امام علی ع در یکی از جنگ ها در شرایطی که دو فرمانده بـا افـراد تحت امرشـان مـأمور بـه کار واحدی شدند، مالک اشتر را به عنوان فرمانده مافوق آن دو منصوب کـرد و آنـان و افـراد تـحـت امرشان را امر به اطاعت از وی ملزم نمود. از عملکرد امام عـلی ع مـی‌فـهمـیم که حتی دو فرمانده نیز در مأموریت واحد نباید بدون حاکم و تصمیم گیرنده نهایی باشـند و هـر دو بـاید بـه طور کامل مطیع باشند. در مدیریت اسلامی اطاعت از مافوق تا آنجایی الزامی است که فـرمانهای او در چـارچوب شـرع مقدس قرار گیرد و مخالف با دین و آیین اسلام نباشد در غیر این صـورت بـه فـرمـوده امـام عـلـی ع نباید فرمان او را پذیرفت. بنابراین در مواردی که توطئه بر ضد نظام اسلامی یا خـیانـت و یا سـوء استفاده از بیت‌المال و مانند آن محسوب می‌شـود، اطاعـت جـایز نیسـت. البتـه بـایـد تـوجـه داشـت که با تمسک به این مسئله نباید هر دستوری را خلاف شرع تلقی و از اطاعت سرپیچی کرد. از نـکات بـسیار مهم دیگر در مدیریت اسلامی قابلیت اجرایی کردن فرمان‌هاست. اگر دستوری قابل اجـرا نـباشد، نـه تنها به آن عمل نمی‌شود؛ بلکه افـراد را بـه نافرمـانی و تمـرد مـی کشـاند. امـام عـلی ع مـی‌فـرمایند: و اگر خواستی تو را اطاعـت کننـد، چیـزی کـه مقـدور باشـد طلـب کـن [۲]. دولت اسلامی باید برای برقراری عدالت با برطرف کردن شکاف طبقاتی، توزیع عادلانه ثروت و عوامل تولید، نفی هرگونه استثمار و بهره‌کشی و برقراری نظام عادلانه مالیاتی اقدام کند.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

دولت باید کشور اسلامی را به یک مدینه فاضله تبدیل کند تا در سایه آن رفاه همه جانبه و آسایش عمومی فراهم آید و انسان‌ها در کنار سلامت روح از سلامت جسم هم برخوردار گردند [۴].

۱۴. اعتدال و میانه روی

دوری از افراط و تفریط و میانه‌روی در قرآن کریم و سیره معصومان (ع) بسیاری تأکید شده است و ائمه هیچگاه از مسیر اعتدال خارج نشدند. رفتار و سیره پیامبر اکرم (ص) بر میانه‌روی بنیان گزارده شده بود. قرآن‌کریم در آیات متعددی لزوم رعایت اعتدال در همه امور فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی و. . . را گوشزد می‌کند و «امت اسلامی» را امت «اوسط» و معتدل خطاب می‌کند تا امتی نمونه باشند رسول خدا (ص) را نیز به عنوان اسوه و الگوی آنها معرفی می‌کند: «و این چنین شما را امتی میانه ساختیم تا بر مردمان گواه باشد». اعتدال، در همه ابعاد تعلیمات اسلامی دیده می‌شود این امر از مسلمان انسان‌هایی با ابعاد متفاوت و همه‌جانبه می‌سازد. انسان‌هایی متفکر، با ایمان، دادگر و مبارز که در همه حال اهل معنویت و بندگی، زندگی و فعالیت و معاشرت هستند. معصومان، الگوی کامل چنین اعتدالی هستند و امام علی ع می‌فرمایند: «راه و روش ما بر میانه‌روی است» [۲].

نتیجه‌گیری:

اهداف دولت اسلامی تکامل همه جانبه انسان که همان حقوق مردم بر حکومت اصلاح و هدایت جامعه آنها در مسیر کمال است. از این رو امام علی در قضیه جنگ صفین در علت به تاخیر انداختن جنگ می‌فرماید: آرزو دارم عده‌ای از آنها به ما ملحق شوند و هدایت گردند و در لابه‌لای تاریکی‌ها نور مرا نگریسته و به سوی من بشتابند [۲].

از آنجایی‌که کمال انسان بدون وجود حاکمان صالح امکان‌پذیر نیست، حرکت رو به کمال برای جامعه جز در سایه حکومت عدل اسلامی محقق نمی‌شود و در مقابل حکومت عادلانه اسلامی نیز جز در زمانی که ارزش‌های اولیه و بنیادین در جامعه در حال شکوفایی و رشد باشند بر قرار نمی‌شود. امام علی می‌فرمایند: به درستی که رعیت شایسته و نیکوکار بوسیله امام عادل نجات پیدا می‌کند و رعیت گنهکار هلاک می‌شود [۲]. جامعه‌ای که به سوی کمال حرکت کند زمینه پذیرش حکومت اسلامی را دارد. پس از پیامبر به دلیل از دست دادن ویژگی‌هایی که با مجاهدت آن بزرگوار بدست آمده بود کار به جایی رسید که تحمل حکومت عدل علی را نداشت و در عوض قرن‌ها حکومت فاسد بنی‌امیه و بنی عباس را پذیرا شدند. امام علی (ع) می‌فرمایند: به خدا سوگند اگر در پیروی از حکومت و امام خود اخلاص نداشته باشید خدا دولت اسلام را از شما خواهد گرفت که هرگز به شما باز نخواهد گردانید و دست دیگران قرار خواهد گرفت [۲].

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

وظایف دولت اسلامی در قبال مردم برقراری امنیت داخلی و خارجی که فاسفه تشکیل دولت می باشد. استقرار نظم و تامین آسایش عمومی و امنیت که امام علی امنیت را عاملی می‌داند که مومنان و کافران از آن بهره‌مند می‌شوند و در سایه آن به کار خود مشغول می‌شوند.

مقررات عادلانه، دقیق، محکم و متضمن بازدارنده از جرم و نیز مجریان قوی برای اجرای قانون و امنیت لازم هستند.

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه دشتی

۳- ولایت فقیه، مکاتبه و اندیشه، (پاییز ۱۳۹۱)، شماره ۴۴، ص ۱۲۱ – ۱۳۱

۴- شعبانی، ناصر؛ پاشایی هولاتسو، امین (بهار ۱۳۹۰)، "قدرت از دیدگاه اسلام و غرب"، فصلنامه پاسداری فرهنگی دانشکده علوم انسانی اسلامی دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)، سال اول، ص ۱۱۱- ۱۳۴

۵- درخشه، جلال؛ موسوی نیا، سیدمهدی (بهار و تابستان۱۳۹۷)، "مولفه‌های حکمرانی شایسته ادر سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)"، دو فصلنامه علمی – پژوهشی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، ص ۱- ۲۸

۶- خسروی، غلامرضا؛ (زمستان ۱۳۹۷)، "مبانی مشروعیت سیاسی از دیدگاه امام علی (ع)"، پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، شماره ۱، ص ۲۲- ۳۵

۷- عظیمی شوشتری، عباس علی؛ (بهار و تابستان ۱۳۸۸)، "اهداف و وظایف کلی دولت در اسلام"، معرفت سیاسی، شماره ۱، ص ۹۹- ۱۲۸

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]

[Downloaded from mail.jnraims.ir on 2026-11-18]